

امنیت زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای، از سوی جمهوری اسلامی ایران

* دکتر منوچهر محمدی

** سجاد محسنی

*** مقصد قنبری مزیدی

چکیده

امنیتی کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی غرب و آمریکا با هدف به انزوا کشاندن ایران و به منظور ممانعت از دستیابی این کشور به فناوری هسته‌ای، صورت گرفته است. آمریکا مفروض خود را تهدید آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در جهت تولید تسلیحات هسته‌ای می‌داند. بنابراین از طرق گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و زیست محیطی سعی در محدودسازی ایران دارد. این در حالی است که دغدغه سیاست‌مداران ایرانی جلوگیری از انزوای این کشور بوده است. ج.ا.ایران تلاش کرده است تا در مقابل ابزارهای امنیتی کننده از سوی بازیگر امنیتی ساز با استفاده از همان ابزارها امنیت‌زدایی را انجام دهد؛ به همین خاطر و در راستای دستیابی به الگوهای سند چشم‌انداز بیست ساله، نخستین راه را گسترش دیپلماسی سیاسی و اقتصادی در چهارچوب مجموعه امنیتی منطقه‌ای دیده است تا از این طریق حضور خود را برای گریز از انزوای بین‌المللی و جبران نارسایی‌های اقتصادی ناشی از آن اعلام کند.

واژگان کلیدی

تهدید، امنیتی کردن، امنیت‌زدایی، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

*استاد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

prof.mohammadi@yahoo.com

پست الکترونیکی :

**کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

mohseni.sajad66@gmail.com

***کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

Ghanbarimeghdad@yahoo.com

پست الکترونیکی :

مقدمه

در مقابل فعالیت‌هایی که از سوی بازیگر امنیتی ساز انجام می‌شود، بازیگر امنیتی زدا تلاش می‌کند تا وجوه امنیتی شدن که منجر به انزوای آن از دیگر کشورها شده است را برطرف کند؛ به همین خاطر در بسیاری از موارد موضعی انفعالی را در پیش می‌گیرد. میزان موفقیت بازیگر امنیت زدا بستگی به توانایی‌های او در ابعاد پنجگانه امنیت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) دارد. معمولاً بازیگری که فرایند امنیتی کردن را با توانایی بالایی انجام می‌دهد در مواقع ضروری از توانایی بالای امنیتی زدایی نیز برخوردار است. بازیگر امنیت زدا می‌تواند در چارچوب مواردی که امنیتی شده است، امنیت زدایی کند. بر اساس این توضیحات مقدماتی جمهوری اسلامی ایران در پی آن بوده تا اتهامات مبتنی بر غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای را از خود بزداید.

در مقابل مفهوم تهدید و جنگ که از سوی آمریکا در مقابل فعالیت هسته‌ای ایران مطرح می‌شود؛ ایران از طریق عادی جلوه دادن این فعالیت‌ها و مطرح کردن مفهوم صلح در برابر جنگ از این فعالیت‌ها امنیت‌زدایی می‌کند. به خاطر عدم وجود روابط دیپلماتیک مستقیم بین ایران و ایالات متحده آمریکا، در زمینه امنیت‌زدایی ایران سعی کرده است در چارچوب مذاکره با اتحادیه اروپا و به خصوص سه کشور آلمان، انگلستان و فرانسه فعالیت‌های خود را صلح‌آمیز قلمداد کند به همین خاطر نمی‌توان آمریکا را کاملاً مستقل از اروپا بررسی کرد. در این مقاله به امنیت زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بر می‌آید که ج.ا.ایران چه راهکارهایی را برای اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود به کار گرفته است. که در این چارچوب باید گفت ایران از طریق دیپلماسی و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (سیاسی)، و کنش کلامی خود سعی در امنیتی‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای خود دارد. ایران همواره اعلام نموده برنامه هسته‌ای این کشور صلح‌آمیز بوده و هیچ خطری را متوجه کشورهای خلیج فارس؛ و خاورمیانه و یا جهان نخواهد کرد. برعکس منابع غربی و به ویژه آمریکایی‌ها با جدیت به دنبال القای غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بوده‌اند. ج.ا.ایران در زمینه امنیت‌زدایی تا حدود زیادی با مشکل مواجه بوده است که ناشی از روابط گسترده بازیگران مجموعه امنیتی خاورمیانه با آمریکا است که علی‌رغم تلاش ایران در راستای گسترش روابط دیپلماتیک همچنان اعضای مجموعه امنیتی این خطر را در مورد خود پایدار می‌دانند در صورتی که ایران برای دستیابی به اهداف ذکر شده در سند چشم‌انداز بیست ساله خود، نیازمند گسترش روابط با مجموعه امنیتی خاورمیانه در مرحله نخست می‌باشد به همین خاطر، ایران توجه گسترده‌ای به امنیت‌زدایی در چهارچوب گسترش روابط با کشورهای هم مجموعه‌ای داشته است. برای

درک بهتر مفهوم امنیت‌زدایی، بررسی رابطه آن با سند چشم‌انداز بیست ساله ضروری است؛ البته قبل از آن باید مفهوم امنیت‌زدایی از دیدگاه مکتب کپنهاک خاطر کانونی بودن آن توضیح داده شود.

۱- امنیت‌زدایی^۱

مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاک^۲ که مکتب کپنهاک یکی از شاخه‌های فکری آن به شمار می‌رود، در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد (نصری، ۱۳۸۲: ۳۴). این مکتب مهم‌ترین تمرکز خود را بر روی مطالعات صلح و امنیت^۳ قرار داد. مهم‌ترین نظری‌پردازان آن، باری بوزان، اولی ویور، دی‌وایلد، مک سویینی هستند. این مکتب اگرچه شکل سازه‌انگاری اجتماعی را پذیرفته است ولی همچنان ریشه در سنت رئالیستی دارد (Williame, 2003: p512). بوزان و ویور، امنیت را عملی گفتاری می‌دانند که از این طریق منجر به عملکرد سریع می‌شود و تا زمانی که امنیت به مسائل حیاتی مربوط می‌شود، نمی‌توان از درگیری‌های سیاسی موجود پرهیز کرد (Harris, 2008, p40). مکتب کپنهاک به این موضوع اعتقاد دارد که امنیت ابعاد متفاوتی دارد به همین خاطر آنها را در پنج بعد دسته‌بندی می‌کند که عبارتند از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی- اجتماعی و زیست محیطی.

در مقابل مفهوم امنیت و امنیتی کردن؛ امنیت‌زدایی هم به عنوان مفهومی کانونی عمل می‌کند. امنیت‌زدایی در واقع به معنای تهدیدزدایی از فعالیتی است که خطر جلوه داده شده است؛ صرف نظر از اینکه واقعیت این فعالیت چگونه بوده است. در فرایند امنیت‌زدایی یک کشور تلاش می‌کند کشورهای دیگر را قانع سازد که اولاً تهدیدی وجودی علیه آنان به شمار نمی‌رود و ثانیاً موضوع را می‌توان در قالب ساز و کارها و با ابزارهای سیاسی رایج حل و فصل کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۹). فعالیت‌های هسته‌ای ایران با توجه به اهمیت آن، بیش از یک دهه است که به مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. به همین خاطر میزان حساسیت بر روی آن از سوی مقامات داخلی و خارجی افزایش یافته است. ج.ا.ایران امنیتی‌زدایی را در همان چهارچوبی انجام می‌دهد که امنیتی سازی از طریق آن شکل گرفته است به همین خاطر موضعی انفعالی را در پیش گرفته است. ایران در دو سطح داخلی و بین‌المللی سعی در تهدید زدایی داشته است. در سطح داخلی متکی به افکار عمومی و انتقال پیام‌های

1. Desecuritization
2. Copenhagen Peace Research Institution
3. Security and Peace Researches

مردمی در قالب راهپیمایی‌ها و اقدامات نمادین و استفاده از واژه‌ی صلح‌آمیز قبل از فعالیت‌های هسته‌ای در سخنرانی‌ها و رسانه‌ها بوده است و در سطح بین‌المللی از طریق مذاکرات و ابهام‌زدایی از این فعالیت‌ها عمل کرده است که تمرکز این مقاله بر روی بعد خارجی امنیت‌زدایی است البته پیش از اینکه به صورت گسترده به فرایند امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران پردازیم باید سند چشم‌انداز بیست ساله را از بعد امنیت و اهمیت آن برای مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ مورد بررسی قرار دهیم.

۲- نگاهی به بعد امنیتی سند چشم‌انداز بیست ساله

سند چشم‌انداز بیست ساله الگویی کلی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارد. در این سند یکی از مهم‌ترین نکاتی که مورد توجه جدی قرار گرفته است توجه به بعد امنیت و تأکید بر رهایی از محدودیت‌های سیستمی از طریق گسترش همکاری در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و به خصوص اقتصادی است. در سال ۲۰۰۵ ایران سندی را که چشم‌انداز بیست ساله نامیده می‌شد، مورد بررسی قرار داد. این سند نقشه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را طراحی نمود که تا سال ۲۰۲۵ را شامل می‌شد و به مواردی از جمله: دستیابی سریع به رشد اقتصادی پایدار، ایجاد فرصت‌های کاری پایدار، حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، توسعه‌ی اقتصاد مبتنی بر دانش و به دور از تورم و تأمین امنیت غذایی و ایجاد بازارهای سودمند برای کارآفرینان داخلی و خارجی می‌پرداخت (Amuzgar, 2009: p41).

موارد مذکور نشان می‌دهد که سند چشم‌انداز بیست ساله و اجرای دقیق آن نیازمند تعامل گسترده با بازارهای بین‌المللی است که در این راستا نخست نیازمند امنیت‌زدایی از فعالیت‌های کشور و در درجه دوم ورود به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. در همین راستا ج.ا.ایران باید به دنبال کسب اعتبار و پرستیژ جهانی باشد تا از این طریق بتواند به توسعه پایدار دست یابد. در جهان امروزی اعتبار سیاسی و اقتصادی بین‌المللی یک عنصر مهم قدرت ملی است چراکه در این صورت است که می‌تواند توانایی‌های بالقوه خود را به بالفعل تبدیل کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). ایران در صورتی می‌تواند به این چشم‌انداز دست یابد که از انزوای بین‌المللی^۲ که در نتیجه فعالیت‌های این کشور پس از انقلاب اسلامی و به خصوص در زمینه هسته‌ای پیش رو دارد به نحو خارج شود. هدف اساسی این سند، تبدیل ایران به قدرت اول منطقه‌ای است. برای دستیابی به این هدف در انواع حوزه‌ها برنامه

1. Regional Security Complex
2. International Isolation

ریزی‌هایی انجام شده است که شامل حوزه‌های امنیتی و اقتصادی نیز می‌شود. بنابراین چالش‌های موجود در راه رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای را هم می‌توان به ترتیب اولویت امنیتی - سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دانست.

با نگاهی به این مسئله حداقل ده نکته چالش برانگیز مربوط به حوزه‌های نفت، گاز و انرژی، بازار و خدمات، صنعت و تکنولوژی، ترانزیت و ارتباطات و توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. جهت کلی حرکت ج.ا.ایران، کسب رتبه برتر در منطقه است که برای دستیابی به این هدف اساساً باید رویکردی رشد محور داشته باشد. اما بنیان پارادایم حاکم بر منطقه، بر مبنای ویژگی خاص منطقه، پارادایم امنیتی است و ضرورت دارد که با رویکردهای جدید در سیاست خارجی هماهنگ شود. در رویکرد امنیتی، تصور بازیگران از یکدیگر در ساخت فضای امنیتی بسیار مؤثر است؛ به همین دلیل درک تهدید امنیتی تا حدود زیادی به برداشت دو طرف تهدید از عنوان هویتی یکدیگر بستگی دارد (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۷۹-۷۸). خاورمیانه نیز با دارا بودن چنین ویژگی‌هایی همواره به عنوان پرتنش‌ترین مجموعه امنیتی منطقه‌ای مطرح بوده است و تهدید و امنیت مهم‌ترین مفاهیم حاکم بر این مجموعه است آنچه که مکتب کپنهاک در تعریف مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بر آن تأکید دارد. در حوزه امنیتی سند چشم‌انداز بیست ساله به مفاهیم کلیدی و برنامه‌ریزی در مورد آنها توجه شده است که در همین راستا به ثبات و اقتدار ملی و سیاسی نیز پرداخته شده است علاوه بر این تصریح شده است ایران کشوری امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی چندجانبه^۱ و پیوستگی مردم و حکومت است. در حوزه اقتصادی این سند ایران را کشوری توسعه‌یافته می‌داند که مفهوم کلیدی آن رسیدن به رتبه اول اقتصادی در منطقه است. بنابراین جوهره سند بیانگر این حقیقت است که لازمه الهام بخشی و اثربخشی و پیشرو بودن، داشتن روابط سازنده با کشورهای جهان است. (سجادیپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۳). به همین خاطر داشتن تعاملات سازنده با کشورهای هم‌مجموعه، زمینه را در نخستین گام برای خروج از انزوای بین‌المللی فراهم می‌آورد.

این سند در راستای توسعه اقتصادی به توسعه درون‌گرا و برون‌گرا توجه دارد. در زمینه توسعه برون‌گرا؛ این سند بر نظام بازار آزاد، مالکیت خصوصی و نقش حداکثری بخش خصوصی و حداقلی دولت تأکید دارد و بر راهبرد توسعه صادرات تأکید می‌کند. در این الگو تلاش می‌شود تا تکنولوژی و سرمایه خارجی جذب شده و از مهارت‌های خارجی جهت افزایش صادرات استفاده شود و در نتیجه پیوند گسترده‌ای با نظام بین‌الملل ایجاد شود (اسکارکوز، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۲۹). برای تحقق این آرمان اقتصادی و افزایش صادرات و توسعه برون‌گرا، یکی از مهم‌ترین الگوها

1. Multilateral Deterrence

عدم تعارض و سازگاری به عنوان مهم‌ترین اولویت در سیاست خارجی است که جلوگیری از امنیتی شدن و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را در درون خود دارد. رویکردی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مورد نظر است باید بتواند از معرفی شدن ایران به عنوان عامل برهم زننده صلح و امنیت بین‌المللی جلوگیری کند تا از این طریق از شکل‌گیری ائتلاف‌های ضد ایرانی^۱ جلوگیری شده و روابط بین‌المللی و منطقه‌ای مورد نیاز برای تحقق اهداف ترسیم شده برقرار شود (سجادیپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۴). بر اساس این سند توسعه اقتصادی کشور بر پایه‌ی گریز از انزوا و تأمین امنیت اقتصادی است. حرکت در مسیر اصول این سند و دستیابی به آن‌ها تا حدود زیادی می‌تواند پاسخگوی قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر تحریم ایران به خصوص در بعد اقتصادی و تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه ایالات متحده‌ی آمریکا باشد. علاوه بر این ابزارهای مختلفی را برای امنیت‌زدایی انتخاب کرده است که میزان موفقیت آن‌ها بستگی به میزان فعالیت دیپلماتیک و اتخاذ سیاست فعالانه ایران در برابر امنیتی کردن از سوی آمریکا دارد.

۳- امنیت زدایی از طریق دیپلماسی

دیپلماسی مهم‌ترین و در دسترس‌ترین شیوه برای امنیت زدایی از فعالیت هسته‌ای ایران است. با آگاهی از این موضوع سیاستمداران ج.ا.ایران تلاش کردند تا با استفاده از این ابزارها صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود را اثبات کنند که در این راستا ج.ا.ایران در چهارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲، پاسخ به قطعنامه‌های شورای امنیت، گسترش مناسبات منطقه‌ای و کشورهای عدم تعهد فعالیت‌هایی انجام داده است.

امنیت زدایی در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

آژانس با بودجه کلانی که در اختیار دارد و وضوح مقررات و افزایش درجه تخصیص قواعد مربوط به راستی آزمایی، خود را موظف به بهره‌برداری از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری در اعمال روش‌ها و تکنیک‌های نظارت و بازرسی کرده است و با سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه و تحقیق در بکارگیری روش‌های مفید در زمینه‌ی پادمان با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری هر روز بر قابلیت‌های خود در زمینه‌ی نظارت و بازرسی می‌افزاید. باز شدن پرونده هسته‌ای ایران، زمینه‌ای را برای آژانس فراهم آورد که در عمل توانایی‌های فنی خود را در مکانیزم‌های

1. Anti-Iranian Alignments

2. International Atomic Energy Agency

مختلف سیستم راستی‌آزمایی به کار گیرد. علاوه بر اینکه رشد و توسعه فناوری اثرات مستقیمی بر تکامل ابزارها، روش‌ها و تجهیزات سیستم نظارت و بازرسی در ایران داشته و سبب تقویت سیستم راستی‌آزمایی معاهده در این کشور شده و به صورت غیر مستقیم نیز بر راستی‌آزمایی آن مؤثر بوده است. مهم‌ترین اثرات غیر مستقیم این مطلب در مورد راستی‌آزمایی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران عبارتند از: ورود سیستم راستی‌آزمایی به کنترل اطلاعات گمرکی، حساسیت سیستم راستی‌آزمایی به کسب اطلاعات در زمینه نقل و انتقالات مواد و کالاهایی با کاربرد دوگانه، تکیه بیش از حد به اطلاعات کسب شده از منابع باز که بیشتر اطلاعات ناشی از ابزارهای فنی و منابع انسانی گروه‌های مخالف و کشورهای متخاصم است.

فعال‌ترین بخشی که ایران از طریق آن سعی در امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای خود دارد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. آژانس همواره بر روی اعتماد سازی از سوی ایران تأکید دارد به همین خاطر ایران به منظور جلب اعتماد آژانس، دست به اقداماتی از جمله تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای خود زد. بر اساس ماده دوم NPT¹ دولت‌هایی که فاقد تسلیحات هسته‌ای هستند باید متعهد شوند که به سمت سلاح‌های هسته‌ای یا ابزارهای انفجاری حرکت نکنند و به دنبال هیچ‌گونه کمکی برای دستیابی به این تسلیحات نباشند. با این وجود این معاهده دستیابی دولت‌ها به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای² تحت نظارت آژانس را می‌پذیرد. بر اساس ماده سوم NPT هر دولتی موظف است نظارت آژانس را بپذیرد و شرایط لازم را برای نظارت فراهم کند. تحت نظارت آژانس دولت‌ها موظف هستند تمام فعالیت‌ها و تأسیسات خود را به آژانس معرفی کنند. و نظارت دوره‌ای آژانس را بر تأسیسات خود بپذیرند. ایران عضو NPT³ و امضاء کننده پروتکل الحاقی⁴ است که با نظارت آژانس بر روی تأسیسات هسته‌ای موافقت کرده است. در دسامبر ۲۰۰۳ ایران پروتکل الحاقی را که مبنی بر نظارت آژانس بر روی تأسیسات هسته‌ای بود، تصویب کرد. از دید آژانس، ایران ورود ۱۸۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده از چین را در سال ۱۹۹۱ از آژانس پنهان کرده است. علاوه بر این ایران در اعلام فعالیت‌های غنی‌سازی⁵ و کاربرد گاز سانتریفیوژ⁵ و تکنیک‌های غنی‌سازی لیزری امتناع کرده است. موضوعی که مسئله ایران را از دید آژانس پیچیده می‌کرد نحوه خرید سانتریفیوژهای P1 و P2 از شبکه القدير خان پدر بمب اتمی پاکستان بوده است (Alam, 2011: p 41-

1. Nuclear non Proliferation Treaty
2. Nuclear Peaceful Technology
3. Additional Protocol
4. Enrichment
5. Centrifuge

42). ج.ا.ایران در مورد فعالیت‌های هسته‌ای خود بیشترین درگیری را با آژانس داشته است به همین خاطر مهم‌ترین تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران نیز برای امنیت زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای در چهارچوب همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گرفته است که اعتماد سازی مهم‌ترین شاخصه آن محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ایران برای اعتمادسازی را می‌توان در بیانیه تهران ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ دانست که مقام‌های ایرانی و وزراء پس از مشورت‌های فراوان در مورد اقداماتی برای حل و فصل تمام مسائل باقی مانده در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و ارتقای اعتماد برای همکاری صلح آمیز در این زمینه، توافق نمودند این در حالی است که مقامات ایرانی بارها به دکتربین دفاعی^۱ خود اشاره کرده‌اند که تسلیحات هسته‌ای در آن جایی ندارد. دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضمیمه شماره ۳ بیانیه تهران در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۳ اعلام کرد که به صورت داوطلبانه تمامی فعالیت‌های غنی سازی و بازفرآوری را آنگونه که توسط آژانس تعریف می‌شود، تعلیق نماید (غریب‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۴). در اکتبر ۲۰۰۳، ایران با دولت‌های فرانسه، آلمان و انگلستان وارد توافق‌نامه‌ای شد. با این انتظار صریح که فصل جدیدی را مبتنی بر شفافیت کامل، همکاری و دسترسی به تکنولوژی‌های هسته‌ای باز کند. ایران با تعدادی اقدامات مهم از جمله امضاء و اجرای فوری و کامل پروتکل الحاقی؛ گشودن درها به سوی یکی از مداخله‌آمیزترین و گسترده‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ فراهم آوردن مجموعه‌ای از جزئیات فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، که تمامی آنها در هماهنگی کامل با حقوق و تکالیفش تحت معاهده‌ی NPT انجام گرفته بود؛ و در نهایت شروع و تداوم تعلیق داوطلبانه حق قانونی خود برای غنی سازی اورانیوم، به عنوان یک اقدام اعتماد ساز؛ در شفافیت و اعتمادسازی توافق کرد و به فوریت و به طور کامل آنها را اجرا کرد. (همان: ۱۳۱). در دسامبر ۲۰۰۴ صالحی، فرستاده ایران و محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پروتکل الحاقی به توافقنامه تدابیر حفاظتی ایران را که به بازرسان آژانس قدرت بیشتری در بررسی برنامه هسته‌ای این کشور می‌داد را امضاء کردند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۲۰). مبنا قرار دادن این اطلاعات در امر بازرسی، ورود سیستم راستی آزمایی به عرصه‌های جدید از جمله مقابله با گروه‌ها و شبکه‌های مخفی قاچاق مواد و کالاهای هسته‌ای و ورود آن به ابتکارات ویژه برای کنترل و نظارت بر فناوری‌های حساس از جمله در زمینه چرخه سوخت است. علاوه بر این، رشد دانش و فناوری سبب شده تا بسیاری از فناوری‌ها و مواد هسته‌ای در قالب مواد و فناوری حساس دسته بندی شوند. هراس از اینکه مبادا این

1. Defensive Doctrine

مواد سبب اشاعه سلاح‌های هسته‌ای شود، موجب تقویت همکاری کشورها در ایجاد رژیم‌های کنترل صادرات شده است (دریایی، ۱۳۸۹: ۹۶).

یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، عادی‌سازی روابط با غرب بوده است. که مناسب‌ترین استراتژی در این میان، استراتژی تعامل همه‌جانبه با غرب خواهد بود؛ گزینه‌ای که مقوله هسته‌ای و مجموعه‌ای دیگر از مسائل دوجانبه و چند جانبه را در خود جای داده است باید توجه داشت که تعامل همه‌جانبه با غرب هدف جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه استراتژی آن در تحقق اهداف است از جمله این استراتژی‌ها می‌توان به عادی‌سازی روابط با غرب نیز اشاره کرد. یکی دیگر از متغیرهایی که باید به آن توجه کرد، نقش آفرینی ایران در قالب یک دولت مسئول است. نقش آفرینی مسئولانه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به تثبیت قدرت کشور یاری برساند و جایگاه ایران را در منطقه و جهان ارتقا دهد و پیگیری اهداف ملی را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر سازد. (هادیان و هرمزی، ۱۳۸۹: ۲۰۲). ایران مهم‌ترین هدف خود از ادامه برنامه هسته‌ای را تولید الکتروسیته و تولید سوخت هسته‌ای می‌داند به همین خاطر در روند امنیت‌زدایی خود حول محور تولید نیرو و الکتروسیته عمل می‌کند که مهم‌ترین دلیل تمایل به آن را افزایش جمعیت ایران نسبت به سال‌های قبل از شروع فعالیت هسته‌ای می‌دانند. ایران از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک به تبلیغ این موضوع پرداخته است به صورتی که در پاسخ به بسته‌های پیشنهادی که از سوی غرب و آمریکا مطرح می‌شود ضمن اشاره به صلح‌آمیز بودن این روند به موضوع الکتروسیته نیز پرداخته است. علاوه بر تلاش‌های ایران در قالب آژانس، به منظور اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های خود از نظر کلامی دولت ایران سعی کرده است پاسخ‌هایی در مقابل اتهامات وارد به خود به قطعنامه‌های شورای امنیت ارائه دهد.

پاسخ ایران به قطعنامه‌های شورای امنیت

تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین اقدامی است که تاکنون از سوی شورای امنیت سازمان ملل صورت پذیرفته است. ایران در پاسخ به بسته پیشنهادی ژوئن ۲۰۰۶ با اتخاذ رویکرد تعامل از کنارگذاشتن زبان تهدید استقبال کرد و با این اعتقاد که طرفین می‌توانند با مذاکره به تفاهمی مبتنی بر مقررات بین‌المللی دست یابند، بررسی پیشنهاد را به طور جدی در دستور کار خود قرار دادند. ایران طبق برنامه مصوب و برای تأمین و تولید بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای طی بیست سال آینده، تولید بخشی از سوخت هسته‌ای را در داخل کشور برنامه‌ریزی کرده است به همین خاطر چاره‌ای جز حرکت در مسیر تولید سوخت مورد نیاز خود نداشته است.

جمهوری اسلامی ایران، همچنین با تولید، ذخیره، تکثیر و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مخالف است و بویژه تولید نسل‌های جدید این قبیل سلاح‌ها را برای تلاش‌های سازنده در جهت خلع سلاح مضر می‌داند و با انباشت و تولید هر نوع سلاح هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی مخالف است. در ضمیمه شماره یازده در پاسخ به بسته پیشنهادی ۶ ژوئن ۲۰۰۶، ایران، هدف اصلی خود را توافق همه‌جانبه مبتنی بر حسن نیت دسته‌جمعی برای تحقق همکاری‌های بلند مدت طرفین و تحکیم صلح و امنیت پایدار منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر عدالت می‌داند و اعلام می‌دارد ما بر این باوریم که این مذاکرات ظرفیت این را دارد که در ادامه از سایر دولت‌هایی که برای همکاری حول این بسته ظرفیت‌ها و علائق لازم را دارند نیز دعوت به عمل آید.

پاسخ ایران به قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل در ۹ مرداد ۱۳۸۵ بر این مبنا قرار دارد که: مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران مصمم به حق لاینفک خود در زمینه فن‌آوری هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز و توسعه دستاوردهای خویش در جنبه‌های مختلف مسالمت‌آمیز این فناوری‌ها هستند. در عین حال ایران به عنوان تنها قربانی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی^۱ در تاریخ معاصر، تولید و استفاده از این سلاح‌های غیر انسانی را هم از نظر عقیدتی و هم از نظر راهبردی مردود می‌داند. همانطور که رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز با یک حکم مذهبی علیه تولید، نگهداری و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای صادر کرده‌اند. ایران همچنین به روشنی تأکید کرده است که سلاح‌های هسته‌ای در دکترین نظامی ایران جایی ندارد. ایران در مقابل قطعنامه ۱۷۳۷ هم با اشاره به موضع صلح‌جویانه خود، مهم‌ترین مخالف خود و عامل اصلی صدور قطعنامه علیه خود را آمریکا خواند که درصدد ممانعت از توسعه فناوری هسته‌ای است و ایران از حق هسته‌ای خود عقب نخواهد نشست. وزارت امور خارجه ایران در دی ماه ۱۳۸۵ در پاسخ به قطعنامه ۱۷۳۷ اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران، تصویب قطعنامه جدید شورای امنیت در خصوص برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را اقدامی فراقانونی و خارج از چارچوب وظایف شورا و بر خلاف مقررات صریح منشور ملل متحد می‌داند. صدور این قطعنامه، نشان می‌دهد که همچنان برخی از اعضای دائم شورای امنیت به ویژه ایالات متحده و بریتانیا در پی استفاده ابزاری از این نهاد هستند و این در حالی است که این قدرت‌ها نه تنها به تعهدات خویش طبق معاهده NPT به ویژه ماده یک مبنی بر، برخورداری از انتقال مواد و فن‌آوری و تجهیزات نظامی هسته‌ای به سایر کشورها و ماده شش مبنی بر الزام به خلع سلاح هسته‌ای خود پای‌بند نیستند، بلکه و بر خلاف آن‌ها اقدام به توسعه زرادخانه هسته‌ای خود ادامه می‌دهند (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۰۶-۲۴۲). یکی از مهم

1. Mass destruction Weapons

ترین تأثیراتی که فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد، تأثیرگذاری آن بر سیاست‌های منطقه‌ای است به همین خاطر اعتماد سازی در میان کشورهای عضو این مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به توسعه اقتصادی و دستیابی ایران به اهداف سند چشم انداز بیست ساله کمک کند که ایجاد اعتماد در میان اعضای این مجموعه خود نیازمند گسترش مناسبات منطقه‌ای است.

گسترش مناسبات منطقه‌ای

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که مکتب کپنهاک بر آن تأکید می‌کند، مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای است که پس از جنگ سرد اهمیت قابل توجه یافت. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، بر اساس وابستگی متقابل امنیتی تعریف می‌شود. بوزان و ویور مجموعه‌های امنیتی را بر اساس معیار دوستی و دشمنی میان این مجموعه و همچنین نوع آنها تقسیم بندی می‌کنند (Lemake, 2005:p 198). در این میان همچنان مرزهای جغرافیایی عامل تفکیک کننده‌ی بازیگران هم‌مجموعه است که در تفکر کپنهاکی مرز تا عمیق‌ترین سطح روابط، همچنان اهمیت خود را حفظ می‌کند. بوزان امنیت منطقه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد و این امر امکان سطح تحلیل میانی به صورت مجموعه‌های امنیتی شدیداً وابسته متقابل در بین سطوح دولتی و نظام بین‌الملل را می‌دهد. (شپهان، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱).

از آنجایی که در فرایند امنیتی کردن و امنیت‌زدایی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای اهمیت فراوان دارند لذا توجه به این بعد از امنیت ضروری می‌نماید. با توجه به این امر، آمریکا چه در زمان ریاست جمهوری بوش و چه در زمان ریاست جمهوری اوباما بر این عقیده بوده است که یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، عمل از طریق کشورهای همان مجموعه‌ای است که ایران در آن قرار دارد بنابراین با گسترش روابط با کشورهای خاورمیانه و به خصوص تأثیر گذارترین آن‌ها یعنی عربستان، مصر و امارات تلاش کردند تا ایران را از این مجموعه مجزا کرده و امکان دسترسی به تجهیزات هسته‌ای را برای این کشور محدود کنند. در مقابل بهترین راه برای امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای در چنین شرایطی، امنیت‌زدایی از همان طریق می‌باشد به صورتی که با گسترش مناسبات منطقه‌ای می‌توان تا حدود زیادی از تأثیر سیاست‌های بازیگر امنیتی‌ساز کاست. در این راستا حتی از زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی که دولت سازندگی شروع شد تا دولت اصلاحات و پس از آن، یکی از مهم‌ترین وجوه سیاست خارجی جمهوری اسلامی توجه به کشورهای منطقه بوده است. البته در این مسیر روابط از

شدت و ضعف خاصی بنا بر برخی از ضرورت‌ها متغییر بوده است. به طور کلی در مورد مناسبات ایران با کشورهای خلیج فارس می‌توان گفت رابطه ایران با کشورهای عربستان و عمان و امارات از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. عربستان از این جهت که قدرتمندترین کشور عربی خلیج فارس است و در مورد حفظ امنیت منطقه نیاز به یک سری همکاری‌ها وجود دارد حائز اهمیت است همانگونه که قبل از انقلاب اسلامی هم عربستان و ایران به عنوان پایه‌های مالی و نظامی امنیتی در منطقه محسوب می‌شدند، پس از انقلاب نیز در مورد اعمال سیاست‌ها وجود همکاری میان دو کشور ضروری می‌نماید هرچند اختلافات عمیقی هم میان دو کشور در مورد ام‌القرای اسلامی وجود دارد و هر کدام از کشورها به نوعی خود را سردمدار کشورهای اسلامی می‌داند. عمان به خاطر امنیت تنگه هرمز به صورتی که تنگه هرمز به عنوان مهم‌ترین گذرگاه انرژی جهان نیازمند برنامه‌ریزی سیاسی و امنیتی خاصی است و امارات هم به این دلیل حائز اهمیت است که ایران حجم گسترده‌ای از تجارت در خلیج فارس را با این کشور داشته است. کشورهای عربی خاورمیانه در برهه‌های زمانی خاص سیاست‌های متفاوتی را در زمینه ایران اعمال کردند. در جنگ هشت ساله علیه ایران حمایت کامل خود را از عراق اعلام کردند تا اینکه با حمله صدام به کویت به این نتیجه رسیدند که گزینه بعدی برای جنگ صدام ممکن است یکی از کشورهای باقیمانده باشد بنابراین با توجه به اصل دشمن مشترک، خود را نیازمند حمایت ایران به عنوان بزرگترین کشور مجموعه می‌دیدند. نوع جهت‌گیری سیاسی ایران در قبال تهاجم نظامی عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ موجب شد کشورهای عرب منطقه در مقایسه با سال‌های قبل به خصوص سال‌های جنگ ایران و عراق دیدگاه مثبت و دوستانه‌ای نسبت به ایران پیدا کنند. دولت سازندگی اساس سیاست خود را برای بازسازی پس از جنگ در مرحله اول گسترش مناسبات خاورمیانه و سپس بازیگران دیگر نظام بین‌الملل می‌دید بنابراین تلاش کرد تا مناسبات منطقه‌ای را گسترش دهد هرچند در برخی از مواقع بر سر جزایر سه‌گانه و زائرین اختلافاتی هم مانع از بسط روابط می‌شد. انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور اصلاح‌طلب در ایران در سال ۱۹۹۷ به عنوان کاتالیزوری در روابط ایران و عربستان عمل کرد. در همین دوران شیخ حمد بن عیسی امیر بحرین در اواخر اوت ۲۰۰۲ مسافرتی به تهران داشت که با اهمیت تلقی می‌شد. کمیت و کیفیت روابط و مناسبات سیاسی - امنیتی ایران با کشورهای منطقه در دولت آقای احمدی‌نژاد در مقایسه با قبل و در عمل، با تغییرات قابل توجهی مواجه بوده است. در عین حال مقامات سیاسی دولت احمدی‌نژاد بیشترین تلاش دیپلماتیک خود را برای گسترش روابط حسنه با کشورهای منطقه مبذول داشته‌اند. کویت در کنار تحرکات مشابه کشورهای منطقه، از جمله کشورهایی است که به منظور ابراز نگرانی شدید خود از شرایط جدید منطقه در

رابطه با پرونده هسته‌ای ایران، هیئت‌هایی را به تهران اعزام کرده است. البته در بسیاری از موارد کشورهای خلیج فارس برخوردی متناقض را در مورد برنامه اعمال کردند چراکه آنها از یک سو ایران هسته‌ای را خطری برای برهم خوردن توازن منطقه‌ای به شمار می‌آوردند و از سوی دیگر از این بابت نگران بودند که در صورت درگیری آمریکا و حمله نظامی به ایران، شرایط کشورهای خلیج فارس با وجود نیروهای جدید آمریکا و اروپا به چه صورت خواهد بود. با توجه به این برداشت در برخی از مواقع ایران هسته‌ای را بر وجود نیروهای آمریکایی و اروپایی برای سومین بار ترجیح می‌دادند. برداشت و طرز تلقی کشورهای خلیج فارس نسبت به ایران هسته‌ای کاملاً متفاوت از ایالات متحده است. یکی از پژوهشگران عرب اشاره می‌کند، کشورهای منطقه از تهاجم احتمالی آمریکا و اسرائیل به ایران و ایجاد شرایط جدید در منطقه نگران هستند. در عین حال، آنها برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی ضد امنیت تلقی نمی‌کنند. وی می‌گوید کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از ایران هسته‌ای نگرانند ولی فکر می‌کنند می‌توانند با این مسئله با تأمل و صبر و شکیبایی برخورد کنند (اسدی، ۱۳۸۶: ۲۰). با توجه به این تناقضات ذهنی در میان اعراب آنچه که به شدت این کشورها بر آن تأکید دارند مذاکره به عنوان مهم‌ترین راه حل و فصل این اختلاف است.

ایران درصدد است تا از طریق گسترش ارتباطات با شورای همکاری خلیج فارس^۱ روابط اقتصادی خود را به دور از انزوای بین‌المللی ادامه دهد. چراکه ایران برای دستیابی به چشم‌انداز بیست ساله و تحقق آن نیازمند گسترش بازارهای خود در مرحله‌ی اول به کشورهای خلیج فارس می‌باشد به همین خاطر مناسب‌ترین حالت و کم هزینه‌ترین حالت را مذاکره با شورای همکاری خلیج فارس می‌داند. ایران همچنین ایجاد منطقه آزاد تجاری با همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس را در برنامه خود دارد که با گسترش تحریم‌ها علیه ایران با شدت بیشتری پی‌گیری شد و ایران اقدام به سرمایه‌گذاری بیشتری در این کشورها نمود. ایران با وجود اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه با امارات، روابط اقتصادی گسترده‌ای با این کشور دارد. گذشته از روابط اقتصادی ایران خارج از شورای همکاری خلیج فارس، این کشور روابط اقتصادی خود را با عراق پس از صدام نیز گسترش داده است. همچنین سوریه به عنوان متحد ایران در منطقه با اقبال بیشتری از رابطه با ایران به خصوص در شرایط تحریم روبرو است. مانند توافقنامه خط لوله صادرات گاز ایران از مسیر عراق به سوریه و دریای مدیترانه در ۳ مردادماه ۱۳۹۰ که مورد پذیرش سه کشور قرار گرفت. در مسیر امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای، نقش رؤسای جمهور به صورت غیر قابل انکاری دارای اهمیت

1. Gulf Cooperation Council

است به همین خاطر به روند امنیت‌زدایی در دوران ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد مورد توجه قرار گرفته است.

۴- امنیت‌زدایی از سوی رؤسای جمهور

بحث فعالیت هسته‌ای ایران به صورت جدی در دوره دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و به خصوص از سال ۲۰۰۳ با انتشار خبری مبنی بر از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران آغاز شد. این پدیده با بازتاب گسترده‌ای در مجامع سیاسی بین‌المللی را به همراه داشت. از سوی دیگر دوره دوم ریاست جمهوری وی مصادف با دوره اول ریاست جمهوری بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده بوده است. این در حالی بود که با شروع دوره جدید ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، با تغییر گفتمان سیاست خارجی ایران از صلح‌گرایی مردم‌سالار به عدالت‌گرایی اصول‌محور، سیاست خارجی ج.ا. ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای هم تغییر کرد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۲۴). اما آنچه که در هر مورد هر دو رئیس‌جمهور یکسان می‌نمود تأکید شدید غرب بر غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای از سوی ایران است. در این شرایط هر دو رئیس‌جمهور بر این باور بودند که باید از فعالیت‌های هسته‌ای ایران تهدید زدایی کنند هر چند نحوه برخورد با آنها متفاوت بوده است.

ریاست جمهوری سید محمد خاتمی

با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ۱۳۷۶، شعارهای انتخاباتی نشانگر تلاش برای اصلاحات سیاسی در درون و تنش‌زدایی در برون بود. در خارج از کشور هم پیروزی محمد خاتمی با استقبال فراوانی روبرو شد. غرب بیش از هر جای دیگر به این پیروزی امیدوار بود تا شاهد آن باشد که ایران در مسیر متعادل‌تری حرکت کند. در آذر ۱۳۷۶ که ایران میزبان اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی بود و سیاست تنش‌زدایی بیش از پیش مورد بحث و بررسی قرار گرفت و کشورهای منطقه نسبت به سیاست ایران، آرامش و اطمینان دیگری یافتند. خاتمی در دیدار امیر عبدالله ولیعهد عربستان گفت: «باید به آینده نگاه کنیم، آینده‌ای که می‌خواهیم دوران سربلندی دو کشور باشد». برای عربستان شاید این بهترین وضعیت امنیتی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بود که همواره از صدور انقلاب و یا اقدامات تندروانه شبیه به آن، احساس نا امنی کرده است (فیضی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). با توجه به اینکه آغاز بحران هسته‌ای و فشارهای ناشی از آن همزمان با ریاست جمهوری سید محمد خاتمی بوده است فشارهایی از جانب محیط بر دولت

وی وارد شد که ناشی از محیط خارجی و محیط داخلی بود و منجر به تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به صورت موقت و در راستای اعتماد سازی و اطمینان دادن به آژانس در جهت صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده است. فشارهای داخلی از سوی اصول‌گرایان مبنی بر عقب نشینی دولت خاتمی از فعالیت‌های هسته‌ای بود. از دید این گروه، تحت هیچ شرایطی حتی با صرف هزینه‌های فراوان نباید از فعالیت‌های هسته‌ای کوتاه آمد. در مقابل غرب تبلیغات منفی خود را بر علیه فعالیت‌های هسته‌ای با به کار بردن اصطلاحات « تهدیدآمیز»، « خطری برای نظام بین‌الملل»، « کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی» و « حمایت از تروریسم بین‌المللی» شروع کرد. در این دوره زمانی تنگناهای سیاسی متنوعی به وجود آمد. از یک سو شعار دولت اصلاحات بر گسترش روابط و بهبود آن با کشورهای منطقه و اروپا تأکید داشت و از سوی دیگر کلید برقراری روابط ایران با کشورهایی که تا آن زمان روابط محدودی با ایران داشتند در کناره‌گیری از فعالیت هسته‌ای و تعلیق کامل آن بود که منجر شد تا این ابهام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا پایان دوره ریاست جمهوری وی حاکم باشد. در این دوره ذهنیت سیاست‌گذاران ایرانی بر این اساس بود که نزدیک شدن به اروپا و روسیه و دادن امتیاز به آنها می‌تواند هم جبهه متحدی را که آمریکا تشکیل داده بود دچار تفرقه کند و هم با دادن قدرت بازی مجدد به اروپا موضع آمریکا را در قبال ایران تعدیل کند (فلاحی، ۱۳۸۲: ۲۰۲).

ایران با اعلام ناگهانی تصمیم خود برای الحاق به پروتکل، بازی را به شکل دیگری به جریان انداخت. اروپا که به دنبال فرصتی بود تا ابتکار عمل را از دست آمریکا خارج سازد با پیوستن به اردوی ایران، آمریکا را در شرایط متفاوتی قرار داد. اعلام آمادگی برای پذیرش پروتکل در واقع آخرین برگ برنده را از دست آمریکا خارج نمود زیرا آمریکا با علم به این مهم که ایران هرگز این پروتکل را نمی‌پذیرد، به شدت بر پیوستن ایران به پروتکل الحاقی تأکید می‌کرد. در این دوره سه توافق‌نامه سعدآباد، بروکسل و پاریس به امضاء رسید که تلاش شد تا روند هسته‌ای ایران را عادی جلوه داده و از ورود آن به شورای امنیت جلوگیری نماید. در زمینه پروتکل الحاقی سال ۲۰۰۳ سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران، سفر وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس به ایران را نشانه توجه به رفع سوء تفاهمات و دستیابی به امنیت و ثبات در منطقه ارزیابی کرد و گفت: « منطقه‌ی ما منطقه‌ای بسیار حساس است و همه باید تلاش کنیم تا با تدبیر، بحرانی به وجود نیاید و مسائل حل شود». در این دیدار رئیس‌جمهور مذاکرات و توافقات صورت گرفته را مبتنی بر حسن نیت خواند و اظهار داشت، تهران بر پایه عدالت، حفظ مصالح ملی و حقوق خود، هرگونه تلاشی را برای رفع سوء تفاهمات و مشکلات انجام خواهد داد. علاوه بر این اعلام کرد که ما به هیچ

وجه درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای نیستیم، و نخواهیم بود (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۷۸-۱۷۷). وزارت خارجه ایران نیز در بیانیه‌ای در سایت خود اهداف ایران را از پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ذکر کرده و موارد استفاده از انرژی هسته‌ای در ۶ بخش استفاده از انرژی هسته‌ای برای تأمین بخشی از انرژی الکتریکی مورد نیاز کشور؛ دستیابی به تکنولوژی طراحی و ساخت رآکتور؛ اهتمام در زمینه تربیت متخصصان مورد نیاز کشور و انتقال دانش فنی آن؛ ارائه خدمات هسته‌ای در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، پزشکی و محیط زیست؛ حفاظت و کنترل رادیولوژی محیط زیست در برابر اشعه‌های مضر و تأمین مواد اولیه مورد نیاز چرخه سوخت هسته‌ای در داخل کشور آورده است. (گلشن‌پژوه، ج ۲، ۱۳۸۴: ۱۸۰). حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی^۱ در دکتین دفاعی ما جایی ندارند. وی همچنین استدلال کرد که تصاحب سلاح‌های کشتار جمعی آسیب‌پذیری ایران را افزایش می‌دهد و تهران در مقابل هدف سلاح‌های کشتار جمعی متعهد است (Bown & Kidd, 2004: p258). مقام‌های رسمی ایران نیز مکرراً تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب سلاح هسته‌ای نیست. از جمله کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران بارها گفته است:

ما اعتقاد داریم که دنیا باید عاری از سلاح‌های هسته‌ای باشد و برنامه تسلیحاتی کشورها متوقف شود. چون اعتقاد داریم که نباید سلاح هسته‌ای وجود داشته باشد. ما اعلام کرده‌ایم که به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم ولی از حقوق مشروع خود در استفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، صرف نظر نمی‌کنیم و در جهت مصارف صلح‌آمیز خواهان استفاده از آن هستیم.

وی تأکید می‌کند که ایران امضاء کننده ان. پی. تی است و به سه اصل این پیمان یعنی؛ خلع سلاح، عدم تکثیر و حق کشورهای عضو برای استفاده از فناوری هسته‌ای اعتقاد دارد. وی در یکی از مصاحبه‌های خود اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا را محکوم به شکست می‌داند و تصریح دارد که همانطور که ایران اکنون در حال مذاکره با کشورهای اروپایی است، حاضر است با آمریکا وارد مذاکره شود^۲.

ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد

1. Weapons of Mass Destruction
2. <http://www.Baztab.Com/news/19283.php>

انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران، با واکنش‌های متفاوتی در دنیا همراه بود. از یک طرف تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های گوناگون جبهه‌های مختلفی علیه ایران گشوده شد و از طرف دیگر از آنجا که احمدی‌نژاد در برنامه‌های انتخاباتی خود بر قاطعیت و عدم مصالحه بر سر برنامه هسته‌ای تأکید نموده بود، بسیاری از انتخاب‌وی را نشانه حمایت قاطع مردم از استراتژی وی در برخورد با مسئله هسته‌ای عنوان نمودند. عدم استقبال غرب از انتخاب احمدی‌نژاد از یک طرف و تصمیم تهران برای خروج از توافق‌نامه پاریس و راه‌اندازی مجتمع اصفهان از سوی دیگر فشارهای زیادی را متوجه ایران ساخت. خط و مشی دولت نهم و دهم در مورد برنامه هسته‌ای ایران خط و مشی خود را بر اساس سه اصل قرار داد که شامل:

۱. رویکرد به بازیگران جدید و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از سمت سه کشور اروپایی؛

۲. خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قراردادن آن در چارچوب‌های حقوقی و در دایره‌ی آژانس

بین‌المللی بر اساس اسناد چهارگانه (معاهده‌ی NPT، اساسنامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی)؛

۳. قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و از سرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که به صورت

داوطلبانه در دوره اعتمادسازی به حال تعلیق درآورده بود (اجاق‌لو، ۱۳۸۵: ۲۲).

دولت احمدی‌نژاد از همان آغاز فعالیت خود بر حفظ چرخه سوخت و رسیدن ایران به توافق هسته‌ای تأکید نمود و تعلیق را شکست. به این ترتیب دیپلماسی تهاجمی اتخاذ نمود. ایران از مهرماه سال ۱۳۸۲ بر اساس توافقات سعدآباد، بروکسل و پاریس، غنی‌سازی، ساخت سانتریفیوژهای بازآوردی در CUF اصفهان، نظنر و پروژه تحقیقات هسته‌ای را به تعلیق درآورده و به صورت داوطلبانه مفاد پروتکل الحاقی را با بازرسی‌های بی‌شمار آژانس اجرا کرده بود و حتی با بازدید بازرسی‌ها از مجموعه‌ی لویزان در مجموعه نظامی - صنعتی کلاهدوز در اکتبر ۲۰۰۴ و بازرسی‌ها از مجموعه لویزان در ژوئن ۲۰۰۴ و سایت نظامی پارچین در ژانویه ۲۰۰۵ موافقت نمود اما پس از سه سال آژانس با گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت شرایط را به ضرر ایران تغییر داد (فلاحی، ۱۳۸۶: ۶۹).

در این دوره فضای مصالحه، جای خود را به تنش داد. با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ علیه ایران، آمریکا بار دیگر رویکرد منازعه را پیش کشید. قطعنامه ۱۷۳۷ از ایران خواست تا در جهت اعتماد سازی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد. احمدی‌نژاد در پاسخ به این قطعنامه آن را کاغذ پاره خواند و بی‌توجهی خود را به قطعنامه، ابراز نمود به همین خاطر قطعنامه ۱۷۴۷ هم علیه ایران در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب رسید. احمدی‌نژاد، مهم‌ترین عامل برای امنیت‌زدایی را توسل به افکار عمومی می‌دانست. ایران در تلاش برای دستیابی به فناوری هسته‌ای ضمن

رد تمایلات نظامی گزینه بازدارندگی هسته‌ای را هم مردود می‌داند و عقیده دارد بازدارندگی هسته‌ای نمی‌تواند امنیت منطقه‌ای را تأمین کند. احمدی نژاد در کنفرانس ۱۷ و ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ به این مسئله اشاره کرد (Barzegar, 2010: p 82). از دید وی دلیل اصلی ناامنی در منطقه، حضور قدرت‌های خارجی و تمایل آنها برای کسب ذخایر انرژی مجموعه خلیج فارس است نه فعالیت‌های هسته‌ای ایران. به عنوان نمونه در راستای امنیت زدایی از فعالیت های هسته‌ای ایران در چهارچوب کنش کلامی محمود احمدی نژاد در مراسم افتتاحیه مجتمع تولید آب سنگین اراک در شهریورماه ۱۳۸۵ اعلام کرد:

در دکتین دفاعی ایران، سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی ندارد و ملت ایران همیشه ملتی آرامش خواه، صلح دوست و صلح طلب بوده و اهل زورگویی و تجاوز نبوده است. امروز ملت ایران می‌خواهد که ما به فناوری صلح آمیز هسته‌ای دست پیدا کنیم. ما برای هیچ کس تهدید نیستیم و بحث سلاح هسته‌ای در ایران وجود ندارد و موضوع داشتن سلاح هسته‌ای مطرح نیست چراکه ما حتی برای رژیم اسرائیل هم تهدید محسوب نمی‌شویم.

علاوه بر این رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در سالروز ملی فناوری هسته‌ای در فروردین ۱۳۸۶ اعلام کرد که کلیه اقدامات ایران در موضوع فعالیت هسته‌ای تحت نظر بازرسان آژانس بوده و گسترده‌ترین بازرسی و نظارت بر آنها انجام شده است. بر اساس کلیه گزارشات آژانس از ابتدا تا کنون، هیچ‌گونه انحرافی در فعالیت‌ها دیده نشده است (غریب‌آبادی، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۱۹۷). منوچهر متکی وزیر امور خارجه دولت احمدی نژاد در پاسخ، گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا در نوامبر ۲۰۰۷ مبنی بر فعالیت‌های ایران در ساخت سلاح هسته‌ای گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا را و عدم تأیید کلیه گزارش های مندرج در آن را گواهی بر صحت ادعاهای جمهوری اسلامی در مورد صلح آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران دانست. وی همچنین در پاسخ به قطعنامه ۱۷۴۷ از سوی شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد «که رفتار شورای امنیت در برابر ایران مناسب نبوده است و اقدامی غیر عادلانه علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران محسوب می‌شود و فعالیت هسته‌ای ایران تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب نمی‌شود» (Alam, 2011: p 44). احمدی نژاد از زمان ریاست جمهوری خود تاکنون توانسته موضع به کارگیری و گسترش فناوری هسته‌ای را به موضوعی ملی بدل کند و حمایت گسترده مردم ایران را در این امر به دست آورده است (عطایی، ۱۳۸۷: ۲۳۵). وی در منشور دولت نهم در بخش راهکارهای علمی و فناوری یکی از مهم‌ترین راهکارها برای گسترش علمی و فنی کشور را دستیابی کامل به فناوری تولید سوخت هسته‌ای برای مقاصد «صلح‌آمیز» و سرمایه‌گذاری برای خوداتکایی کشور در حوزه فناوری هسته‌ای تحت معاهدات بین‌المللی می‌داند. محمود احمدی-

نژاد در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۸ به مجری برنامه اخبار شبانگاهی شبکه ان.بی.سی گفت: « شما به خوبی می‌دانید که هیچ کس نمی‌تواند مردم ایران را تهدید کند و برای خواسته‌های خود برای ما ضرب‌الاجل تعیین کند». وی در همان روز ضرب‌الاجل ۲ اوت را رد کرد و در روز ۳ اوت گفت: « ایران همواره خواهان حل بحران دراز مدت بر سر برنامه هسته‌ای خود از طریق مذاکره بوده است» (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۷). اوباما در ۹ فوریه ۲۰۰۹ اعلام کرد که ما در جستجوی فرصت‌هایی هستیم که بتوانیم در یک میز نشسته و رو در رو به مذاکرات دیپلماتیک بپردازیم. این امر به ما امکان خواهد داد تا سیاست خود را در مسیری جدید به پیش ببریم وی در مورد سلاح هسته‌ای به ایران هشدار داد و اعلام کرد که اینک زمان آن فرا رسیده است که ایران علائمی مبنی بر این امر بفرستد که می‌خواهد به گونه‌ای متفاوت عمل کند. علاوه بر تلاش رؤسای جمهور برای اثبات صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، تلاش‌هایی هم از سوی ایران برای متقاعد کردن کشورهای عدم تعهد در راستای صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام شده است که در زیر به آن اشاره خواهد شد.

۵- امنیت زدایی در چارچوب کشورهای عضو جنبش عدم تعهد^۱

ایران به عنوان کشوری که خود را در طبقه‌بندی کشورهای عدم تعهد تعریف می‌کند تلاش کرده است تا با گسترش روابط خود با کشورهای عضو این جنبش به نوعی روزنه‌ای برای معرفی برنامه هسته‌ای خود به افکار عمومی جهان پیدا کند با ابلاغ این پیام که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران خطری برای کشورهای منطقه در پی نخواهد داشت. با این وجود در برخی از موارد کشورهای عدم تعهد به صورت لفظی حمایت‌هایی از برنامه هسته‌ای ایران ابراز کرده‌اند. البته در بسیاری از این موارد این حمایت به صورت دوپهلوی و مبهم بیان شده است که در برخی از موارد آن ترس یا عدم تمایلی را در آن می‌توان مشاهده کرد. این جنبش همواره بر این موضوع تأکید کرده است که فعالیت‌های صلح‌آمیز باید در چهارچوب آزانس و از طریق مذاکره حل شود و در هیچ موردی به صورت صریح و مستقیم اعلام نکرده است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است.

البته در برخی از موارد هم می‌توان برداشتی مثبت از این سیاست‌ها در نظر گرفت و می‌توان گفت که جنبش عدم تعهد در برخی از موارد از حقوق هسته‌ای ایران دفاع کرده است و بیانه‌هایی را نیز در این راستا صادر کرده است. بیانه‌های جنبش عدم تعهد در نشست‌های مختلف و همچنین بیانه‌های سازمان کنفرانس اسلامی در باکو و

1. Non- Alignment Movement

داکار، گواه بر مخالفت این بخش از جامعه بین‌المللی با روند محروم ساختن کشورهای در حال توسعه از دستیابی به فناوری‌های هسته‌ای است. در این قسمت به اهم مواضع جنبش عدم‌تعهد در این بیانیه‌ها اشاره می‌کنیم.

بیانیه تروئیکای عدم‌تعهد که در ۲۰۰۵/۱۱/۱۱ که در سطح وزرای امور خارجه برگزار شد و ضمن حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اعضای این بیانیه عقیده داشتند که موضوع هسته‌ای ایران باید از طریق مذاکره و در چارچوب آژانس حل و فصل گردد. دومین بیانیه تروئیکا در ۲۰۰۶/۱/۲۷، در شهر هرمانوس آفریقای جنوبی منتشر شد که در این بیانیه از کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روشن کردن موضوعات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران حمایت به عمل آمد. تروئیکای عدم‌تعهد از تمامی طرف‌های درگیر خواستند که تمامی تلاش خود را از طریق گفت‌وگو و مذاکره برای حل موضوعات در اسرع وقت اقدام کنند. ۲۰۰۶/۵/۳۰ همزمان با صدور بیانیه وزرای امور خارجه عدم‌تعهد در شهر پوتراجایای مالزی بود. در حمایت از برنامه هسته‌ای ایران، در این بیانیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان تنها مقام صالح برای راستی‌آزمایی تعهدات پادمانی دولت‌های عضو آژانس شناسایی شد و تأکید شد که نباید هیچ فشار یا مداخله بی‌جایی در فعالیت‌های آژانس صورت گیرد. در ۲۰۰۶/۹/۱۶ در هاوانای کوبا بیانیه دیگری صادر شد که بر اصول بیانیه وزرای امور خارجه جنبش تأکید شد. و در نهایت در ۲۰۰۸/۷/۳۰ حمایت وزرای امور خارجه جنبش عدم‌تعهد از برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران. وزرای امور خارجه ۱۱۸ کشور عضو جنبش عدم‌تعهد با صدور بیانیه‌ای در اجلاس تهران، از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۱۹۴). در چارچوب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۸ شهریور ۱۳۸۳ کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها خواستار ملایم‌تر شدن پیش‌نویس قطعنامه شدند و در این زمینه بر هماهنگ شدن بندهای قطعنامه به خصوص بندهای ۳ و ۷ و ۸ آن با گزارش مثبت البرادعی درباره فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تأکید داشتند. نمایندگان کشورهای جنبش عدم‌تعهد در شورای حکام با حذف سه بند و افزودن هفت بند پیش‌نویس قطعنامه سه کشور اروپایی را اصلاح کردند تا به این ترتیب قطعنامه آژانس را معتدل‌تر کنند. علاوه بر این آنها خواهان حذف عبارت «تصمیم قطعی» و تبدیل آن به عبارت «نتیجه‌گیری مناسب» بودند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۴). توجه به جنبش عدم‌تعهد به عنوان یکی از ابزارهای اتهام‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای، موضوعی بوده که در دوران ریاست جمهوری هر دو رؤسای جمهور از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفته است هرچند از این طریق نتوانسته است به گونه‌ای تأثیرگذار به اهداف خود نائل شود چراکه بسیاری از کشورهای عضو عدم‌تعهد تحت فشارهای بین‌المللی ناچار به اعمال سیاست‌های دوگانه در قبال ایران شده‌اند و

خواهان حل مسئله در چهارچوب آژانس بودند موضوعی که بارها بر آن تأکید شد و به طور واضح به صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران اشاره نکردند اما با این وجود یکی از ویژگی‌های قابل توجه گرایش به این دسته از کشورها، می‌توان به گسترش مذاکرات در راستای فعالیت‌های اقتصادی نیز اشاره کرد چرا که در شرایط تحریم اقتصادی علیه ایران می‌تواند کارساز باشد به همین خاطر بعد اقتصادی می‌تواند به بعدی قابل توجه در امنیت‌زدایی تبدیل شود.

۶- امنیت‌زدایی اقتصادی

بعد اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران است که پس از بعد سیاسی و دیپلماتیک مورد توجه قرار گرفته است. در این بعد از امنیت ایران تلاش کرده است تا نارسایی‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی و انزوای اقتصادی را از همان بعد اقتصادی البته با توجه به مسیری دیگر که گرایش به کشورهای جهان سوم و کشورهای خاورمیانه به خصوص امارات است جبران نماید که همگام با این روند روابط اقتصادی ایران با غرب محدودتر شده است که در نتیجه قطعنامه‌های مصوب از سوی شورای امنیت است که بارزترین بعد آن اقتصادی می‌باشد به همین خاطر ایران ضمن تلاش برای بهبود روابط بر آن بوده است تا در تعاملات اقتصادی به سمت خاورمیانه و چین گرایش یابد.

عضویت در سازمان‌های مختلف اقتصادی

ایران برای خروج از انزوای اقتصادی در نتیجه اعمال تحریم‌های بین‌المللی تلاش کرد تا با ورود به سازمان‌های مختلف اقتصادی منطقه‌ای و آسیایی کاستی‌های ناشی از عدم ورود به سازمان‌های جهانی را جبران کند. ایران در حال حاضر در شش سازمان آسیایی عضویت دارد که سازمان‌های سارک و شانگهای را هم شامل می‌شود. علاوه بر این تلاش کرد تا در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی به آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی خود بپردازد که انعقاد پروتکل ترجیحات تجاری کنفرانس اسلامی پس از سال‌ها انتظار، گامی مثبت در مسیر توسعه همکاری‌های تجاری کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. علاوه بر این ایران همکاری تجاری خود را با اعضای اتحادیه همکاری‌های حاشیه اقیانوس هند گسترش داده است. این سازمان ۱۸ عضو دارد که طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۵ ریاست دوره‌ای اتحادیه به عهده ایران بوده است که در این فرصت ایران تلاش کرد تا تحرک جدیدی را در فعالیت‌های آن ایجاد

کند. اتخاذ تصمیم‌ها در نشست‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ شورای وزیران در تهران در زمینه اولویت‌بندی پروژه‌ها، ایجاد صندوق حمایت مالی طرح عمل ده ساله‌ی اجرای پروژه‌ها به صورت خوشه‌ای و تقویت دبیرخانه در این راستا قابل ذکر است (سلیمان‌پور و دامن پاک جامی، ۸۸-۱۳۸۷: ۸۷). ایران تلاش کرد تا روابط خود را با گروه دی-۸ تقویت کند. موافقتنامه تجارت ترجیحی در پنجمین نشست سران در سال ۱۳۸۵ در اندونزی به امضای ۸ کشور از جمله ایران رسید. قانون پیوستن دولت ایران به موافقتنامه تجارت ترجیحی بین کشورهای عضو، در شهریورماه ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و سند تصویب آن نزد دبیرخانه تودیع شد. و در نهایت ایران بیشترین تلاش را برای جبران نارسایی اقتصادی خود در قالب سازمان آکو انجام داد. به عنوان مثال می‌توان به انعقاد موافقتنامه آکوتا میان ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان و تاجیکستان اشاره کرد که در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در صورت اجرای این موافقتنامه، تحول مهمی در زمینه‌ی تجارت میان کشورهای عضو رخ خواهد داد. چین اصلی‌ترین کشور آسیایی است که با ایران روابط تجاری گسترده‌ای به خصوص پس از کاهش روابط تجاری ایران با غرب داشته است. اینکه ایران در روابط تجاری خود، چین را ترجیح داده است علاوه بر کاهش روابط تجاری با غرب و گرایش ایران به شرق می‌تواند موارد روبرو را شامل شود. اینکه؛ چین عضو دائم شورای امنیت است، از قدرت نظامی بالایی برخوردار است؛ این کشور از اقتدار بالایی برخوردار است که می‌تواند تعدیل‌کننده سیاست‌های آمریکا باشد و مهم‌تر اینکه چین در سازمان ملل متحد و سازمان‌ها و نهادهای تخصصی آن و در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی حضوری فعال دارد که می‌توان به سازمان‌های همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام، سازمان همکاری شانگهای و سازمان تجارت جهانی^۱ اشاره کرد. (فتحی و پاکدامن، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

تلاش برای ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO)

ویژگی جغرافیای اقتصادی ایران و الزامات ناشی از آن، این کشور را به این سو متمایل می‌کند که به تعمیق روابط اقتصادی خود با سایر کشورها بپردازد. برای دستیابی به این هدف، بهترین راهی را که ایران می‌تواند در پیش بگیرد، تقویت همکاری تجاری و آزادسازی تجاری در چهارچوب ترتیب‌های موجود است. تجربه کشورهای نظیر چین، روسیه، عربستان و الجزایر نشان می‌دهد که ایران برای راهیابی به این نوع از سازمان‌های اقتصادی نیازمند مذاکرات طولانی است. امروزه به واسطه تغییرات شگرفی که در صحنه بین‌المللی به وقوع پیوسته است، مسئله

1. World Trade Organization

تنظیم روابط اقتصاد خارجی به مرکز دیپلماسی منتقل شده است و اهمیتی مشابه موضوع‌های سیاسی پیدا کرده است. دیپلماسی اقتصادی به عنوان تلاشی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، ظاهر می‌شود (سلیمان-پور و دامن پاک جامی، ۸۸-۱۳۸۷ : ۷۹). یکی از مهم‌ترین شرایط ورود به این سازمان برخورداری از میزانی از آزادی اقتصادی است که بر اساس شاخص‌های از جمله: اندازه و مخارج دولت، مالیات‌ها و بنگاه‌ها، ساختار قانونی و امنیت مالکیت خصوصی، دسترسی به پول قوی، آزادی مبادله با همسایگان و قوانین مربوط به اعتبارات می‌شود (سامتی و طاهری، ۱۳۸۵: ۵). بر اساس معیارهای مورد توجه برای آزادسازی اقتصادی که شامل آزادی تجاری، حقوق و عوارض گمرکی هم می‌شود، ورود ایران به این سازمان را با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌کند که نیازمند تحول اقتصادی بزرگی می‌نماید. هدف سازمان تجارت جهانی، فراهم کردن ترتیب‌هایی برای کاهش تعرفه‌ها، از میان برداشتن سایر موانع تجاری و نیز برطرف کردن موانع تجاری است. ایران بر اساس معیارهای تولید ناخالص داخلی، حجم واردات و صادرات و درآمد سرانه، پس از ترکیه و عربستان در جایگاه سوم خاورمیانه قرار دارد. آمار و ارقام گویای سیر نزولی ایران در تجارت جهانی است به صورتی که حتی با احتساب نفت و گاز از ۶۹ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۶۵ درصد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است بر اساس این آمار گرچه صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ در بخش غیر نفتی جهش داشته است. از ۴/۵ میلیارد دلار به ۱۸ میلیارد دلار رسیده است با این وجود به دلیل رشد بی‌سابقه تجارت جهانی که از ۱۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به ۲۴ تریلیون رسیده است سهم ایران از این تجارت کاهش یافته است. (همان: ۸۳-۸۰). با توجه به اهمیت گسترده سازمان تجارت جهانی برای کشورهای عضو و مزایای عضویت در آن کشورهای غیر عضو نیز در تلاش هستند که با ورود به این سازمان از مزایای آن برخوردار شوند که جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در همین راستا تلاش‌هایی از سوی ایران انجام شده است که با آغاز دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و تلاش برای تنش زدایی، ورود به این سازمان اقتصادی را هم در دستور کار خود قرار داد تا از این طریق بتواند قدرت تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را کاهش دهد. روند تلاش ایران برای ورود به این سازمان نیز با نوسانات فراوانی همراه بوده است به طوری که با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به مقام ریاست جمهوری ورود ایران به این سازمان با مشکلاتی همراه شد.

نتیجه

ج.ا.ایران در امنیت‌زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای خود تا حدود زیادی تلاش کرده است تا از موضع انفعال دوری گزیند با این وجود همواره منتظر تصمیمات غرب به خصوص آمریکا در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای خود بوده و سپس

اقدام به واکنش نموده است به همین خاطر به صورت ناخواسته ایران خود را در موضعی انفعالی قرار می دهد. در عصر جهانی شدن و با توجه به تأثیرگذاری تبلیغات و رسانه در امر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است زمینه تبلیغاتی مناسبی را برای فعالیت‌های هسته‌ای خود فراهم کند تا به نحوی راحت‌تر بتواند این فعالیت‌ها را ادامه دهد. ایران پس از افشای فعالیت‌های هسته‌ای خود به یکباره با هجوم تبلیغاتی و فشارهای روانی از سوی آمریکا مواجه شد تا اینکه با روی کار آمدن دولت جمهوری خواه در آمریکا جورج بوش رئیس جمهور این کشور، ایران را در کنار کره شمالی به عنوان محور شرارت معرفی نمود این در حالی است که ایران تنها از طریق مقامات رسمی سعی در امنیت زدایی از این فعالیت‌ها کرده است. امنیت زدایی از فعالیت‌های هسته‌ای از جانب ایران را می توان به نحوی در دسته کنش کلامی و سخنرانی‌ها و مذاکرات سیاسی قرار داد در صورتی که کنش عملی ایران در مقابله با اتهامات وارده به این کشور از سوی بازیگران امنیتی‌ساز با محدودیت و نقص‌های فراوانی روبرو بوده است. این در حالی است که برد تبلیغاتی رسانه‌های آمریکایی و به خصوص نیویورک تایمز، واشنگتن پست، وال استریت ژورنال و شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی نقش به سزایی را در امنیت‌سازی کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران داشته‌اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده تا با همان ابزارهای که آمریکا فعالیت‌های هسته‌ای را تهدید جلوه می‌داد، به اثبات صلح‌آمیز بودن این فعالیت بپردازد، چراکه تنها راه خروج از امنیت‌سازی شدن را توسل به راه‌هایی می‌داند که از طریق آن امنیتی شده است که از جمله این ابزارها می‌توان به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تلاش برای گسترش تجارت خارجی و گسترش مناسبات منطقه‌ای اشاره کرد در صورتی که ایالات متحده آمریکا، تلاش کرده است تا قبل از هر گونه اقدامی از سوی ج.ا.ایران فضای هر سه محیط بین‌المللی را بر علیه این نا امن کند. به همین خاطر روش‌های امنیتی زدایی مذکور از جانب ایران بازدهی مناسبی را در بر نداشته است. امنیت‌زدایی در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد هم بیشتر در راستای کنش کلامی بوده است و چه در دوره آقای خاتمی و چه در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، نه تنها تبلیغات غرب و آمریکا بر علیه برنامه هسته‌ای ایران متوقف نشد؛ بلکه با اعتقاد به اینکه با آمدن دولت اصول‌گرا نوعی رادیکالیسم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی گسترش خواهد یافت بر دامنه تبلیغات، تحریمات و محدودیت‌های خود افزودند.

منابع

- اجاقلو، نسیم‌الله، (پاییز ۱۳۸۵) **شورای امنیت آخرین ایستگاه پرونده هسته‌ای ایران**، «ناشر مؤلف»، چاپ اول.
- اسدی، بیژن، (۱۳۸۶) **تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای**، «پژوهشنامه علوم سیاسی»، سال دوم، شماره ۱.
- ایزدی، جهانبخش، (آبان ۱۳۸۹) **دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران (سیاست خارجی، انرژی، هسته‌ای)**، «مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر»، چاپ اول.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر (بهار ۱۳۸۸)، **سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای**، «فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، دوره ۳۹، شماره ۱.
- دریایی، محمدحسن، (۱۳۸۹)، **به کارگیری فناوری‌های نوین در راستی‌آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران**، «پژوهشنامه علوم سیاسی»، سال پنجم، شماره ۳.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، **چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، «معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی»، چاپ اول.
- رضانی، روح‌الله، (۱۳۸۸)، **درک سیاست خارجی ایران**، «فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی»، سال اول، شماره اول.
- سامتی، مرتضی، طهری، زهرا، (۱۳۸۵)، **امکان‌سنجی الحاق ایران به WTO از منظر نماگرهای آزادی اقتصادی**، «فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین»، شماره ۶.
- سجاد پور، سید محمد کاظم، نوریان، اردشیر (۱۳۸۹)، **برنامه‌ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بررسی روابط قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز**، «فصلنامه راهبرد»، سال نوزدهم، شماره ۵۶.
- سلیمان‌پور، هادی و دامن‌پاک جامی، مرتضی، (۸۸-۱۳۸۷)، **نقش چند جانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران**، «مطالعات آسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، سال دوم، شماره ۳.
- شیپان، مایکل، **امنیت بین‌الملل**، (۱۳۸۸) ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، انتشارات «پژوهشکده مطالعات راهبردی».
- عطایی، فرهاد، (زمستان ۱۳۸۷) **میراث جورج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما**، «فصلنامه سیاست»، دوره ۳۸، شماره ۴.
- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۸)، **نهضت ملی هسته‌ای**، تهران، «معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه»، چاپ دوم.

- غریب‌آبادی، کاظم، (پاییز ۱۳۸۷) **برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی**، « مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه»، چاپ اول.
- فتحی، یحیی و رضا پاکدامن، **جایگاه شرکای ایران در دیپلماسی تجاری**، « فصلنامه روابط خارجی»، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹.
- فلاحی، سارا، (بهار ۱۳۸۶) **بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد (تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت)**، « پژوهشنامه علوم سیاسی»، شماره ۶.
- فلاحی، سارا، (پاییز و زمستان ۱۳۸۲) **بازی ایران و آمریکا از ظهور طالبان تا پیوستن ایران به NPT**، « فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، شماره ۵.
- فیضی، سیروس، (بهار ۱۳۸۹)، **تعامل نفت و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران: رهیافت تنش‌زدایی**، « فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی»، سال دوم، شماره پنجم.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا، (فروردین ۱۳۸۶)، **پرونده هسته‌ای ایران روندها و نظرها**، جلد سوم، تهران، « مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر»، چاپ نخست.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا، (مهرماه ۱۳۸۴) **روندها و نظرها پرونده هسته‌ای ایران**، « تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر»، جلد دوم، چاپ اول.
- نصری، قدیر، (پاییز ۱۳۸۲) **مکتب کینه‌هاک: مبانی نظری و موازین علمی**، «فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی»، شمار ۳۶.
- هادیان، ناصر، هرمزی، شانی، (۱۳۸۹)، **برنامه هسته‌ای ایران: توانایی قانونمند**، « پژوهشنامه علوم سیاسی»، سال پنجم، شماره ۳.
- Alam, Aftab (2011) **Sanctioning Iran: Limits of Coercive Diplomacy**, India Quarterly: A Journal of International Affairs.
- Amuzgar, Jahangir, (2009), **Iran's 20-Year Economic Perspective: Promises and Pitfalls**, Middle East Policy, Vol.16, No.3.
- Barzegar, Kayhan,(2010) **Balance of power in The Persian Gulf: An Iranian View**, Middle East Policy, Vol. 17, No. 3.
- Bown, Wyn Q, Kidd, Joanna,(Mar 2004) **The Iranian Nuclear Challenge**, International Affairs, Vol. 80, No. 2, Israeli- Palestinian Conflict.
- Harris, Bailey Jessica, (2008) "Thinking about Security", **University of Canada**
- Lemake, Douglas, (2005) "Perspective on Politics", **American Political Science Association**, Vol. 3, No 1.

- Williams, Michael C, (2003) “Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics”, **International Studies Quarterly**, Vol. 47, No. 4.